

روزنامه کرد و گفتار ناسیونالیستی سمکو

رزگار برفروخت^۱

چکیده

انتشار اندیشه ناسیونالیستی در دوره جنگ اول جهانی به گونه‌ای بود که بسیاری از ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داد؛ متأثر از چنین فضایی کردها نیز ناسیونالیسم را به عنوان عاملی مشروعیت‌بخش، به جریان‌های سیاسی منطقه خود پیوست کردند. این فضا نخست در میان حلقه روشنفکران کرد عثمانی شکل گرفت و در اندک زمانی کردهای ایران را تحت تأثیر قرار داد. همزمان در کردستان ایران نیز ما شاهد شکل‌گیری جریانی ناسیونالیستی آمیخته با سنت دینی هستیم که روحانیان کرد آن را نمایندگی می‌کردند. این شکل از ناسیونالیسم که با اندکی تسامح می‌تواند با عبارت **ناسیونالیسم حجره‌ای** مفهوم‌بندی گردد، ناظر بر نخستین جرقه‌های تحرک فکر ناسیونالیستی در میان کردهای ایران بود. بنابراین در این دوره یک جریان قوی ناسیونالیستی برآمده از کردستان عثمانی و جریانی نوپا از ناسیونالیسم حجره‌ای در کردستان ایران به صورت همزمان وارد عرصه تحولات نوین کردستان ایران گردید. این هر دو جریان ناسیونالیستی با حرکت سمکو در ارتباط بودند و تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر ماهیت و روند حوادث سیاسی آن گذاشتند.

در حقیقت حرکت سمکو، متأثر از فضای فکری ذکرشده، حامل نخستین حرکت ناسیونالیستی در ایران به شمار می‌آید. بازنمایی گفتار ناسیونالیستی سمکو اگرچه به سبب کمبود منابع و آثار برجای‌مانده امری دشوار است، اما می‌توان با بررسی نامه‌ها و اظهارات شخص سمکو در منابع این دوره رگه‌هایی از این گفتار را به دست آورد. در چند سال اخیر و با پیدا شدن دو شماره از روزنامه «کرد»، که در حقیقت ارگان اشاعه‌دهنده مرام سمکو بود، بازشناسی و تحلیل گفتار ناسیونالیستی این حرکت تا حدی امکان‌پذیر گردید. این پژوهش در نظر دارد عناصر شکل‌دهنده این گفتار و نه گفتمان را با تأکید بر دو شماره روزنامه کرد و نامه‌ها و اسناد این دوره مورد بررسی قرار دهد. **کلیدواژگان:** گفتار ناسیونالیستی، حرکت سمکو، جنگ جهانی اول.

مقدمه

مسئله گرد به عنوان یک مفهوم، که جریان پروبلماتیک هویت‌خواهی کردها در سده اخیر را بازنمایی می‌کند، کانون محوری انبوهی از پژوهش‌های دانشگاهی، نویسندگان و کارشناسان حوزه امنیت ملی و ناسیونالیست‌های کرد بوده است. این مفهوم ناظر بر بررسی تغییر جهت جریان شورش کردها پس از جنگ جهانی اول است. اگر کردها تا قبل از این دوره درگیر رقابت‌های محلی و عشیره‌ای و همچنین مشارکت در درگیری‌های ایدئولوژیک مذهبی بین ایران و عثمانی بودند، از این دوره

تحت تأثیر جو ناسیونالیستی قرار گرفته و تغییر معناداری در فرایند شورش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آنان ایجاد شد. این فرایند به صورت مشخص در کردستان عثمانی آغاز گردید و در اندک زمانی بیشتر مناطق کردنشین را در بر گرفت.

فرایند توسعه ناسیونالیسم کردی را می‌توان از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار داد. کنش و واکنش کردها نسبت به مسئله دولت-ملی‌سازی^۲، بررسی فرایند تحول اقتصادی و ساختار اجتماعی در کردستان و تأثیر آن بر پرتاب شدن کردها به فرایند توسعه ناسیونالیستی^۳، نقش قدرت‌های بین‌المللی در توسعه و یا محدودیت توسعه ناسیونالیسم کردی^۴ چند نمونه از نگرش‌های تحقیقات تحلیلی نسبت به مسئله ناسیونالیسم کرد است. نویسنده این سطور ناسیونالیسم کردی در کردستان ایران را از منظر نقش نخبگان سنتی و مدرن در جامعه کردی در برهه زمانی ۱۹۰۶-۱۹۴۶ مورد بررسی قرار داده است.^۵ حرکت سمکو در خلال سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۳۰ میلادی (۱۲۸۵-۱۳۰۹ شمسی)، به عنوان نخستین مرحله از ناسیونالیسم کردی در نگاه نویسنده واجد نخستین رگه‌های جدی از گفتار ناسیونالیستی می‌باشد که تاکنون مورد توجه جدی نویسندگان کرد نبوده است.^۶ در این پژوهش سعی خواهیم کرد گفتار ناسیونالیستی حاکم بر اندیشه رهبری این حرکت، یعنی اسماعیل آقا سمکو، را با توجه به نامه‌ها و مصاحبه‌ها و روزنامه کرد، به عنوان ارگان این حرکت، مورد بررسی قرار دهیم.^۷

^۲ نک به:

Essays on the Origins of Kurdish Nationalism, (ed.), Costa Mesa, Mezda Publisher, 2003.
Modernity and the Stateless: The Kurdish Question in Iran, London, I.B. Tauris, 2012.
Kurds and the State in Iran: The Making of Kurdish Identity, London, I.B. Tauris, 2011.
Kurdish Nationalism in Iran: The Forgotten Years (1947-1979), Istanbul, Avesta Publications, 2011.
 "The Kurds and their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics", *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*. Vol. XVIII, no.2, 1998.

^۳ نک به:

Koohi-Kamali, Farideh. (2003). *The Political Development of the Kurds in Iran*. 2003 (Palgrave).

^۴ در این زمینه نک به:

احمدی، حمید. قومیت و قوم‌گرایی - از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸؛ و مقصودی، مجتبی. تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۰.

^۵ در این زمینه نک به:

پروژه ناسیونالیسم و نقش‌آفرینی روشنفکران و نیروهای سنتی در کردستان ایران ۱۹۰۶-۱۹۴۶، رزگار برفروخت، مجله الکترونیکی پولیتیا، سال یکم، شماره اول، در <http://politeiajournal.com>

^۶ کتاب ارزشمند «هاوار محمد رسول» در بین آثار نگاشته شده درباره حرکت سمکو و تحلیل ناسیونالیستی نویسنده به نسبت این حرکت استثنا می‌باشد. در این باره نک به:

هاوار، محمدمهد رسول. سمکو (نئیسماعیل ناغای شوکاک) و بزوتنه‌وه‌ی نه‌ته‌واپه‌تی کورد، سوید، نیستکهولم، چاپخانه‌ی ئاپیک، ۱۹۹۵.
^۷ گمانه‌زنی در مورد این روزنامه و دوره انتشار آن زیاد است. آنچه مسلم است این روزنامه بعد از فتح مهاباد به سردبیری محمد ترجانی‌زاده (قرلجی) در ارومیه انتشار یافت. این روزنامه با عنوان «کرد» منتشر شد. بر اساس تاریخ شفاهی منطقه، ملا محمد ترجانی‌زاده هنگام محاصره شهر مهاباد توسط نیروهای سمکو از شهر خارج شده و به سمکو توصیه می‌کند که مانع غارت شهر توسط نیروهای قبیله‌ای تحت امرش شود. ظاهراً مباحث سمکو و ترجانی‌زاده سبب علاقمندی سمکو به وی شده و وی را به چهریق دعوت می‌کند. ملا محمد در چهریق و در جمع رؤسای قبایل، که به سمکو ملحق شده بودند، پیشنهاد انتشار روزنامه‌ای به زبان کردی را مطرح می‌کند و در همان جلسه جهت انتشار این روزنامه از رؤسا کمک نقدی جمع‌آوری می‌نماید. این روزنامه که تاکنون تنها دو شماره از آن در دسترس است جدی‌بودن و عمق اندیشه‌های ترجانی‌زاده به نسبت مسئله ناسیونالیسم کردی را نشان می‌دهد. از این روزنامه تنها یک نسخه اصلی باقی مانده که محمدرضا سیف‌قاضی نسخه شماره ۳ آن را در تاریخ ۲۶ می ۲۰۱۴ در صفحه شخصی فیس‌بوک خود منتشر کرد. همچنین نسخه شماره دوم آن به شکل سواد در کتابخانه ملی و مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران نگاه‌داری می‌شود.

گفتار سمکو در کسوت ناسیونالیستی آشتی ناپذیر

بازآفرینی گفتار ناسیونالیستی سمکو در خلال نوشتارهای باقی مانده از وی نشان‌دهنده این مطلب است که وی ناسیونالیسم را آگاهانه در راستای رسیدن به اهدافی که در نظر گرفته بود انتخاب کرده است. این آگاهی مبتنی بر شناخت وی از تحولات فکری و رخدادی در سطح منطقه و فرامنطقه‌ای می‌باشد. سمکو ناسیونالیسم و اتکا به فکر ناسیونالیستی را الزامی زمانه‌ای می‌داند که جریان‌های کردستان ناگزیر از بستر آن عبور می‌کند. وی در نامه‌ای که به ظفرالدوله حاکم تبریز در تاریخ ۱۹۲۲/۰۵/۳۱، برابر با ۹ خرداد ۱۳۰۱ ش نوشت، این‌گونه اظهار می‌کند که «ما خیلی خوب می‌دانیم که برخی از ملت‌های دنیا که یک‌چهارم کردها نیز نمی‌باشند به آرزوی خود یعنی استقلال رسیده‌اند. به آلمانی‌ها نگاه کنید که چگونه این مسئله را بین خودشان ایجاد کرده‌اند. در حقیقت اگر ملت بزرگ کرد در ایران به آرزوهای خود نرسد مرگ برایش بهتر از زندگیست. در روزگاری که در آن زندگی می‌کنیم حکومت ایران چه بخواهد و چه نخواهد ما خواهان رسیدن به حق خودمان یعنی استقلال هستیم. و این آرزوی هر انسان کردزبانی است و سرچشمه زندگی تازه‌ایست برای مردم ما.»^۸ وی در جایی دیگر و در تحلیل اوضاع سیاسی ایران خطاب به یک افسر انگلیسی اظهار می‌کند: «ترک‌ها مرده‌اند و حالا ما (یعنی بریتانیا) از کردها می‌خواهیم که خود را به ملت مرده دیگری ببندند که شاهی مرده بر آن حکومت می‌کند.»^۹

آگاهی سمکو در کاربست مفاهیم ناسیونالیستی تنها محدود به تحلیل اوضاع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به نسبت مسئله ملی و ناسیونالیسم نبود؛ وی با برجسته کردن دیگری^{۱۰} به عنوان رکنی مهم در بازتعریف از خود^{۱۱} سعی دارد که دیدگاه خود را به نسبت مسئله ملی مشخص سازد. تصویر این دیگری در دیدگاه سمکو به کمک تحلیل وضعیت تاریخی و نقد تحولات منطقه و عملکرد دولت مرکزی صورت می‌پذیرد. این دیگری، که در گفتار سمکو ایرانی‌ها و فارس‌ها می‌باشند، در شماره دوم روزنامه کرد این‌گونه ترسیم می‌گردد:

ای جماعت اکراد، ای ملت بی‌صاحب و دادرس و ای مظلومین پنجه ستمکاران!! آیا می‌دانید ملت کردستان چه قدر لگدکوب اجانب واقع شده، مورد تعرضات غیرقابل تحمل ملل گردیده است؟! [...] ملت آتوری که ادنی‌تر از آدمیانند عرض حیثیت کردان را نابود ساختند، ایرانیان که برادران دینی هستند پیوسته به پنجه قهارانه در امحا عرق و نسل آنان کوشیده، تیشه به ریشه‌شان می‌زنند و در اغتنام فرصت‌اند که بالمره ایشان را استیصال نمایند. [...] حکومت روس در موقع اشغال کردستان با وجود تنافر مذهبی دیدید چه ملاطفت و مهربانی‌ها مبذول کردند. برادران دینی را هم ببینید که از فجایع اعمال دریغ نمی‌نمایند. به نوامیس کردان و عفت دختران تعرضات کرده و دارند بکنند. من یک نفر گُردم و زندگانی خودم را برای تأمین آسایش این ملت خود فدا کرده و می‌کنم، ولی نظر به استماع‌اتم، ایرانیان اعمال مرا به اسم شقاوت معرفی کرده و مرا با این نام لکه‌دار می‌کنند. من قاجاق و اشقیای نیستم، مدافعه از حقوق می‌نمایم، ایرانیان ظالم و دزدند که تابه‌حال مملکت کردستان را دزدیده و حتی به عرض کردان تعرض می‌کنند و در ازاله تمام شئون‌اتشان می‌باشند. هر کس که جانسوز و علاقه‌مند و محب ملت خودش

^۸ کوچرا، کریس، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر نگاه، ۱۳۷۳، ص ۶۵؛ و هاوار، محمد ره‌سول، همان، ص ۴۲۰ و صص ۵۱۷-۵۱۸. برگرفته از ولید حمدی الاعظمی ص ۳۹۲، بر اساس گزارش کنسول بریتانیا در تبریز مورخه ۱۹۲۲/۰۶/۱۸ شماره: F.O.37-7808.

^۹ مک‌داول، دیوید، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانید، تهران، ۱۳۹۳، ص ۳۷۵. به نقل از: وزارت خارجه ۱۲۲۵/۲۴۸، گزارش مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۱۹ (تفلیس) سرتیپ بیچ درباره نآرامی در مورد منطقه ارومیه.

^{۱۰} others

^{۱۱} self

است با صمیمیت عزم مردانه دست اتحاد به من بدهد و به خلاصی ملت خود از چنگال آهنین ایرانیان خلاص نماید که سیل خانمان کن نفوذ ایشان را در مملکت خودمان سد نمائیم. [...] (سمتکو).^{۱۲}

در شماره سوم این روزنامه این مسئله بار دیگر این گونه مورد تأکید قرار می‌گیرد:

هر کس بدون انحراف از دایره صداقت و انصاف مراجعه تاریخ کردستان نماید خواهد دید: که جان و وجدان، و مال و عزت و ناموس کردان در معرض تهدیدات سخت ایرانیان بوده و می‌باشد. ظلم و تعدی مادی و معنوی (از قبیل زجر، قتل، جرمه و حبس، اعدام و سائل ترقی، محروم کردن از آثار مدنیت، عدم تأسیس منابع تعالی، مداخله ندادن در تنظیم امور حیاتی و عدم اشتراک در هیچ کار و شغلی و... و...) از طرف ایرانیان بر سر کردان به مثابه امور عادیه تلقی شده و بلکه یک حالتی طبیعی را تشکیل می‌دهد.^{۱۳}

این دیگری در نگاه سمتکو تنها محدود به فارس‌ها به عنوان برهم‌زننده اتحاد و یکرنگی کردها نشد، بلکه اساساً تمامی کسانی را در بر می‌گرفت که ناسیونالیسم مورد ادعای رهبری این حرکت را نفی می‌کرد. در مصاحبه‌ای که مصطفی یامولکی^{۱۴} با وی صورت داد، هنگامی که درباره علت همکاری سمتکو با ترک‌های کمالی از وی سؤال می‌کند، که چرا با ترک‌های کمالی که دشمن کردها می‌باشند ارتباط برقرار کرده و از ارتباط با انگلستان غافل است، جواب می‌دهد که «من نیز بی‌نهایت از ترک‌های ملی‌گرا متنفر هستم و برای کردها آن‌ها را دشمن‌تر از فارس‌ها می‌دانم. من چندین بار با انگلیسی‌ها ارتباط برقرار کردم اما جوابی دلگرم‌کننده از آن‌ها دریافت نکردم.»^{۱۵} همچنین در مصاحبه‌ای با روزنامه «جمهوریت» ترکیه، فارس‌ها و عجم‌ها را دشمنان ملت کرد عنوان کرده و آن‌ها را زبون و ترسو قلمداد کرد، که همه تلاش‌شان را برای کشتن وی انجام داده‌اند.^{۱۶}

دیگری‌سازی مندرج در گفتار ناسیونالیستی سمتکو نه از بستر لازمه تحول‌خواهی در نگاه حاکمیت نسبت به مردم کرد، بلکه آشکارا وجهی جدایی‌طلب و استقلال‌خواه دارد. محمد ترجانی‌زاده به عنوان یکی از حامیان سمتکو در روزنامه کرد، در بیان مرام کردها از قیامی که صورت داده‌اند، مرام ناسیونالیسم جدای‌خواه سمتکو را این گونه بیان می‌دارد:

غایه اصل نقطه نظر کردان حفظ شرافت قومیت و برقرارداشتن آسایش و آزادی تام است که در آتیه در این سرزمین و آب و خاک با رفاه حال بتوانند زندگی کنند. جد و جهد کردان در این است که خود را از زیر محور سیاست ایرانیان که همیشه برای هدم و خفه کردن ایشان در دوران بوده خلاص نمایند، و برای نجات دادن قوم خویش از خطراتی که خیلی تهدیدآور و وحشت‌انگیز است مجبور به اقداماتی قاطع شده و در راه استقرار امنیت تام که از حال تزلزل و مبهمیت بیرون آمده، در قلب عموم تولید یک اطمینان پایدار نماید فداکاری می‌کنند. [...] در این مدت سلطنت هیچ وقت ملت کرد را محافظه نکرده و کردان همیشه دچار مصائب خارجی هم شده‌اند. لهذا عوامل غیرت در کردان به هیچان و غلیان آمده ملتجی به سپر قیام و پناهنده به

^{۱۲} روزنامه کرد، سال اول، شماره ۲، ۱۳۴۰، صص ۱-۳.

^{۱۳} روزنامه کرد، سال اول، شماره ۳، ۲۸ ذیقعد ۱۳۴۰، ص ۴.

^{۱۴} مصطفی یامولکی از جمله کردهای سلیمانیه بود که توانست در تشکیلات آموزشی عثمانی رشد کرده و مسئولیت‌های دیپلماتیک و نظامی گوناگونی را بر عهده بگیرد. یامولکی در جریان تحولات معاصر عثمانی و به دنبال انقلاب ترک‌های جوان و مشخص شدن رگه‌های نژادگرایانه آن‌ها از سیستم بروکراسی عثمانی کنار گذاشته شد و باقی عمر خود را صرف اقدامات فرهنگی در کردستان نمود. کارنامه درخشان فرهنگی یامولکی از عضویت در جمعیت تعالی کردستان، ایجاد جمعیت کردستان در سلیمانیه، انتشار روزنامه «بانگی کوردستان» تنها بخش کوچکی از اقدامات فرهنگی وی بود. در این زمینه نک به: مه‌جید صالح، مسته‌فا پاشا یامولکی پورتریتی خه باتکاریکی کورد، چاپ‌مه‌نی خانی، سه‌فز، ۱۳۹۶.

^{۱۵} مه‌جید صالح، همان، صص ۶۵-۶۶.

^{۱۶} اسناد وزارت امور خارجه، مورخه ۱۳۰۳/۰۹/۰۴، کارتن ۴۵ پرونده ۲۲، سند شماره ۵۴.

سنگر اقدام و ابراز موجودیت شده و با صدای رسا این کلمه حقه را می‌سرایند: بگذارید دست به حقوق ما نزنید!!! از این زیاده ما را مورد تاخت و تاز نسازید! همه آمال کردان عبارت از این جمله است: حفظ حقوق و تحصیل آتیه درخشان.^{۱۷}

وی با مقابله و ضدیت با کسانی که تحرکات کردها را شقاوت می‌خوانند اعلام می‌دارد که «تشبثات کردستان شقاوت نیست حفظ حقوق ناموس است».^{۱۸}

وجه دیگر گفتار ناسیونالیستی این حرکت امتزاج تفکر دینی با مسئله ملی‌گرایی می‌باشد. این وجه دینی تنها در گفتار مندرج در دو شماره روزنامه کرد قابل پیگیری است. این مسئله به نحوی بارز نشان‌دهنده ارتباط برقرار کردن فعالان ناسیونالیسم حجره‌ای با سمکو می‌باشد. روزنامه کرد که بعد از فتح مهاباد منتشر شد، سبب گردید که نمایندگان ناسیونالیسم دینی به صورت جدی با سمکو ارتباط برقرار کرده و صبغه دینی به وجه ناسیونالیستی این حرکت افزوده گردد.^{۱۹} به عنوان نمونه در هر دو شماره باقی‌مانده از روزنامه کرد و در بالای لوگوی روزنامه، دو آیه قرآنی آمده است. در شماره دوم این روزنامه، آیه قرآنی «لیس للانسانی الا ما سعی» از سوره النجم تأکید دارد که رسیدن به حقوق حقه انسان‌ها تنها با تلاش و کوشش خود آن‌ها به دست می‌آید. در ادامه این آیه، که همچون کمانی لوگوی روزنامه را در بر می‌گیرد، عبارت «سعی و غیرت امر مشروع و کلام باریه» آیه را دوباره مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین در بالای لوگوی شماره سوم روزنامه کرد آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران، «واعتصموا بحبل الله و لا تفرقوا»، تأکید بر حفظ اتحاد و یگانگی به عنوان مهم‌ترین راه رسیدن به پیروزی در برابر دشمنان آورده شده است. این تأکیدات دینی تنها محدود به استفاده نمادین از آیات قرآنی در لوگوی روزنامه نگردید، بلکه در متن روزنامه نیز مسئله ملی از بستر دیدگاه دینی پی‌ریزی می‌گردد:

هر کس در پی شرف قوم خود نباشد در قیامت مؤاخذه و مسئول اولاد و اطفال خویش خواهد شد. ای اکراد ما که حاضر مرگ هستیم و می‌دانیم همه کس شربت فوت را چشیده و دنیا به بزرگان و پیغمبران [؟] نمانده و به حقیقتاً به ما هم نخواهد ماند، باید سعادت ابدی را تحصیل کنیم با غیرت و عصبانیت به مقام حفظ ناموس خود برانیم و مال و جان را در این راه فدا کنیم که در دنیا و آخرت روسفید و نام نیکمان تا ابد خواهد ماند.^{۲۰}

همچنین نویسنده با خطاب قراردادن مردم به عنوان برساننده مفهوم ملت، راه رسیدن به سرزمین مستقل با استفاده از مفاهیم دینی را این‌گونه بیان می‌نماید: «ای اکراد به جز از اتفاق و اتحاد چاره به خلاصی ملت خود از پنجه دشمنان نمی‌یابیم و به جز از گرفتن دست برادری همدیگر چاره به حال بیچارگی اکراد نیست، دست یگانگی و وفاق صادقانه به یکدیگر داده با تمام موجودیت از تعرضات دیگران خود را محافظه نمائیم طریق خلاصی همین است و لاغیر».^{۲۱}

لازم به ذکر است امتزاج مفاهیم دینی با ناسیونالیسم در این گفتار تنها تأکید بر وجه دینی صرف ندارد، بلکه مفاهیم دینی در خدمت مفاهیم ناسیونالیستی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر مفاهیم دینی به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به ناسیونالیسم مورد تأکید قرار می‌گیرد. مقایسه حرکت سمکو با حرکت‌های قبل از خود این مسئله را بهتر نمایان می‌سازد. به عنوان نمونه در

^{۱۷} روزنامه کرد، سال اول، شماره ۳، ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۴۰، ص ۴.

^{۱۸} همان، ص ۳.

^{۱۹} نمایندگان ناسیونالیسم حجره‌ای به ویژه سیف‌القضات اگرچه قبل از فتح مهاباد با وی در ارتباط بودند اما ارتباط مستمر و تأثیرگذار این طیف از نمایندگان تنها پس از فتح مهاباد صورت گرفت.

^{۲۰} روزنامه کرد، سال اول، شماره ۲، ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۴۰، ص ۲-۳.

^{۲۱} همان

حالی که برجسته شدن جریان پان اسلامی تبلیغی عبدالحمید دوم، در اندک زمانی قبل از حرکت سمکو، کردها را به ابزار دست عثمانی بدل کرده و عامل کشتار ارامنه شدند، در این مقطع مسئله دین نه تنها به عنوان عامل مشروعیت بخش برای حمله به غیرمسلمانان تلقی نگردیده بلکه گفتار ناسیونالیستی تأکید بر برادری و یکرنگی دیگر ملت‌های غیرمسلمانی دارد که برای رسیدن به سرزمین و کیان خود تلاش می‌کنند. بر این اساس در گفتار ناسیونالیستی سمکو آشوری‌ها و ارامنه نه به عنوان دیگری، بلکه آنان را همچون برادرانی در نظر می‌گیرد که رودررو قرار گرفتن آنها با کردها را نتیجه بازی‌های سیاسی حکومت مرکزی قلمداد می‌کند. این مسئله به نحوی بارز در شماره سوم روزنامه کرد این گونه مطرح می‌شود:

وقایع چهار ساله کردستان را ایرانیان در جرائد خود به نام شقاوت اکراد اعلان کرده و قارئین محترم جرائد نیز چون از حقیقت کار بی‌خبرند به اظهارات جرائد باور کرده و چنین تصور می‌نمایند، در صورتی که تمامی اظهارات جرائد ایران محض کذب (کذب محض!) بوده و نام شرافت قیام کردستان به نام منحوسه شقاوت لکه‌دار می‌کنند. لهذا فریضه کردی خود می‌دانم برای اطلاع عمومی بوسیله جریده شریفه عرض و به سمع قارئین محترم برسانم اولاً دولت ایران در این جنگ بین‌المللی بی‌طرفی خود را اعلان کرده بودید بدبختانه هیچ کدام ملت دولت محارب مثل کردستان سرحد ایران محو نشده دوچار صدمات فوق‌الطایفه نگردیده. علت این مسئله همانا بی‌اقتداری دولت بود که نتوانست ملت تابع خود را محافظه نماید. از این بی‌اقتداری دولت است که در کردستان سرحد نه نفوس مانده و نه مال، هر کس هم می‌تواند حقیقت و صادق مسئله را برای العین مشاهده نماید، به طوری این مملکت فلک‌زده کردستان پایمال گردیده که آبادی‌هایش یک منظره خرابه زاری را تشکیل داده که دل هر سنگ‌دل از دیدن آن می‌سوزد. پس از متارکه که سرحدات تخلیه گردید عوض اعانت دولت ایران با این بی‌اقتداری دایره ظلمیه و مستبدانه سابقه خود را تشکیل داده در این حال مظلومانه کردستان بنای تعدیات مالا یطاق و اجحافات طاقت‌شکنانه را گذاشته و آنچه در امحای این ملت فلک‌زده بقیه السیف از دستش می‌آید خودداری ننمود. آیا ملت کرد بشر و مخلوق خدا نیست؟ چه تقصیری دارند که دولت ایران این همه مظالم را با آن بی‌اقتداری خود در حقش روا می‌دارد؟ آیا مکتبی برای اطفال کردستان تأسیس نموده و یا از آثار مدنیت راهی نشان داده؟ بلی به‌جز کشتن و محو کردن ملت یکی از وظایف انسانیت را در حق کردستان به عمل نیاورده، نه با قانون و نه با شریعت و نه با سیاست با ملت کرد رفتاری نداشته و ندارد. با آن همه مظالم در امحای کردستان، اجانب را نیز ترغیب نموده و شریک ظلم خود می‌نمایند و در امحای این ملت بی‌صاحب می‌کوشند. شاهد قضیه همانا ملت کرد سال‌های سال بوده با ارامنه و آثوری هم‌جوار و مثل برادر بودند. چهار سال قبل ایرانیان با وسائل مختلفه این هر دو ملت را اغفال کرده به جان همدیگر ریختند و نفوس ملت فلک‌زده کرد را به دست ارامنه و آثوری‌ها محو، بعد عدم اطلاع خود را از این قضیه اظهار نموده و ملت کرد را تقصیرکار و ارامنه را به بغل کشید. کردستان را در اول کار تشویق و ترغیب نمود و می‌گفت مگر اکراد مسلمان نیستند چرا انتقام از آثوری و ارمنی نمی‌کشند. ملت بیچاره کرد نیز به اغفال ایرانیان فریب خورده یک‌دفعه کار از کار گذشت. پس از آنکه ایرانیان به آمال معاندت‌کارانه خود نائل شده و ناموس اکراد را با دست ارامنه و آثوری محو کردند، ارامنه و آثوری را مثل اولاد عزیز به آغوش خود کشیده‌اند چون ملت کرد بی‌صاحب و فریاد مظلومانه‌اش را کسی نبود جواب بدهد، به‌جز قیام برای حفظ ناموس خود چاره دیگری نداشتند، به سایه اسلحه خود مظهر شده با ایران جنگیدند و ایرانیان را از چندین ولایات کردستان خارج نمودند، لکن ایرانیان حقیقت مسئله را پنهان و اسم شقاوت را به اکراد می‌بندند و هر زمان اردوی ترتیب داده به سر اکراد سوق می‌دهند بالاخره اولاد عزیز خود ارمنی را مسلح کرده به سر اکراد سوق نمودند که کردستان را به کلی محو کنند. خوشبختانه ملت کرد در قیام خود ثبات [ثابت!] کردند و شجاعت فطری خود را به عالم نشان

دادند و در تمامی جنگ‌ها فتح موفقیت حاصل نمودند. فعلاً هم ایرانیان از کرده خود نادم و به جز بستن اسم شقاوت به اکراد به چیز دیگری متوصل نیستند. تشبثات کردستان شقاوت نیست حفظ حقوق و ناموس است.^{۲۲}

آنچه از گفتار سمکو و تبلیغ‌کنندگان مرام وی بر می‌آید می‌توان وی را ناسیونالیستی جدای خواه آشتی‌ناپذیری به حساب آورد که رسیدن به استقلال و ایجاد کردستان مستقل مهم‌ترین هدف و برنامه وی در سطح گفتار مطرح می‌گردد. این گفتار آشتی‌ناپذیر ناسیونالیستی نه تنها کلمات و اظهارات خود را در پرده ابهام و واژگان دوپهلوی بیان نمی‌دارد، بلکه صراحت در بیان و لهجه از ویژگی خاص آن است. در حقیقت این نخستین بار بود که روشنفکران دینی و غیردینی از مردم کرد به عنوان یک ملت نام می‌برد و هدف نهایی و آمال نهایی جنبش را استقلال بر می‌شمارد.

نکته بارز دیگری که تاکنون مورد توجه تحلیل‌گران تاریخ معاصر کردستان قرار نگرفته، مسئله نگارش به زبان کردی در روزنامه کرد می‌باشد. در حقیقت متون نوشته‌شده در این روزنامه نخستین متون سیاسی نگاشته‌شده به زبان کردی در کردستان ایران بود که مسئله ناسیونالیسم کردی را تبلیغ می‌کرد. در شماره سوم از روزنامه کرد سه متن به زبان کردی وجود دارد. یکی از متون به گویش کرمانجی و دو متن دیگر به گویش سورانی است. متن کرمانجی، که توسط محمد جمال‌الدین الحکاری تنظیم گردیده، در بیان مرام حرکت سمکو و توجیه طغیان سمکو علیه حکومت مرکزی می‌باشد. این متن که نزدیکی قابل توجهی به گویش کرمانجی منطقه حکاری دارد، از دو جنبه اهمیت دارد؛ نخست اینکه متن سیاسی منحصر به فردی از نگارش به گویش کرمانجی است. این مسئله نشان‌دهنده این مطلب است که تا این دوره هژمونی نگارش به گویش سورانی دیگر گویش‌ها در کردستان ایران را به حاشیه نرانده بود. از سوی دیگر نشان از حضور نخبگان کرد عثمانی در گفتارسازی ناسیونالیستی سمکو دارد. متن کرمانجی روزنامه کرد کمترین میزان به‌کارگیری واژگان غیرکردی را دارد. در حقیقت کلمات غیرکردی تنها محدود به چند کلمه فارسی می‌باشد؛ که قاضی با قلمی شیوا به نگارش درآورده است. قاضی جمال شورش چهار ساله سمکو علیه حکومت مرکزی را این‌گونه بیان می‌دارد:

چارساله وقوع عاتیت لهوان سهرحه‌دان واقع ده‌بن عه‌جه‌م به واسیتا غه‌زته‌بیت خوه ب ناوی شه‌قاوت ئیعلان دکن. مروقتیت دوور ئری چکۆ ژ حه‌قیقه‌تا شولین بین خه‌به‌رن ب وی ته‌رزی دزانن حال ئه‌وه حه‌قیقه‌ته‌ن شولین ئه‌وه‌یه. مه هینوی هه‌یه جه‌راییدا کوردان [عه‌جه‌مان؟! ئیرۆ پاشوه راستیا د شتیت وها بنویست دا خه‌لق حه‌قیقه‌تی بزانت: (د وی بابیدا چهند خه‌به‌ران ته‌ز دئ بیژم) ل با هه‌موو که‌سی مه‌علوومه کو د وی حه‌ربا عوموموی دا ئیرانی بین ته‌ره‌فیا خوه ئیعلان کری بوو. حال ئه‌وه مله‌تی چو ده‌ولتیت موحارب هندی کوردیت که‌فتی د سهرحه‌دا ئیرانیدا موته‌زه‌ریر نه‌بوویه، ئه‌وه ل مه‌یدانین یه هه‌ر که‌سی باوهر نه‌کت بلان بیت ببینت نه نفوس، نه مال بو کوردیت فه‌قیر نه‌مایه ئایا ئه‌وه ژ چ بوو؟ ئه‌گه‌ر ده‌وله‌تا ئیرانی - کو حه‌تا نوها خوه مه‌تبوعی وی مله‌تی کوردی فه‌قیر که‌فتی د وی موحیتی دزانی - موحارب بوو له‌و را مله‌تی تابعی وی موته‌زه‌ریر بوو. کانئ ئیعلانی حه‌رب دگهل کی ده‌وله‌تی کری به بلان بده‌ زانین. حال ئه‌وه بین ته‌ره‌فیا خوه په‌سه‌من بده‌فانان ئیعلان کری یه هه‌ر وه‌کی ل نک هه‌می که‌سی مه‌علووم وموقه‌ییده.

ئه‌گه‌ر موحارب نه‌بوو مله‌تی تابعی وی چرا هنده مه‌حو و موته‌زه‌ریر بوو ئه‌لبه‌ت ئه‌وی سه‌به‌ب هه‌یه، به‌لین سه‌به‌بی وی ئه‌وه‌یه کو ده‌وله‌تا ئیرانی موقته‌در نه‌بوو مله‌تی تابعی خوه ژ په‌نجا ئه‌جبه‌ببیا موحافه‌زه بکه‌ت. ده‌وله‌تیت موجاوری وی کو موحارب بوون هاتنه ناو مولکی وی ئه‌هالی و مله‌تی تابعی وی مه‌حو و په‌ریشان کرن پاش کو دو ده‌وله‌تیت خارجه ژ ناو مولکین وی پاش وه‌چوون ئیرانی دیسا ئیدارا خوه یا زالمه ته‌ئسیس کر. مله‌تی کوردان فکری ئه‌وه نه‌چاره که هه‌ر چ زه‌مانی ئیک ئه‌جبه‌بی

^{۲۲} روزنامه کرد، سال اول، شماره ۳، ۲۸ ذیقعد ۱۳۴۰، صص ۲-۳.

ژئیر دهستی و ئیتاعهتی بئیکانه تا به که ی
شهرمه له بو مه هئینه بژین بی نیشان و نیو
گوردانی کورده کان به خودا رۆژی غیره ته
دهس دهینه خه نجران و پیاوانه بئینه نیو

سمکو، خودا که داویه به مه ساحیب و رهئیس
شوگری بکهین به زار و زیان و ددان و لئو

مه قسوودی وی ئه مه، که حق بداته مه

ته کلینی مهش وه هایه فیدای بین به نیر و مئو^{۲۴}

در همین راستا محمد ترجانی زاده به عنوان یکی از مهم ترین بانیان روزنامه کرد متنی سیاسی را به نگارش درآورده که به صورت قطع نخستین متن سیاسی ناسیونالیستی به زبان کردی در کردستان ایران است. ترجانی زاده در بیان مرام سمکو با زبانی شیوا این گونه اظهار می دارد:

هه چهند ئیمه له زیمنی له وائحتیک له پیشدا ده رجمان کرد مه پامی کوردانمان ده قارئین گه یاند، ئه ماما دووباره بو ته وزیح
عه زیان ده که یین: نه هایه ت ئاره زووی کوردان و نوقته ی نه زه ریان راگرتن و ئاگاداری شه رهی قهومییه ته و به رفه رار کردنی ئاسووده یی
و ئازادی ته واوه که له سه ره زووی و ئاو و خاکه به دلخۆشی بتوانن زینده گانی بکه ن. جید و جه هدی کوردان ده وه دابه که له ژئیر
چه رخی سیاسه تی ئیرانیان که بو نه هئیشتی وان هه میشه ده گه ری ده رچن، وه بو نه جاتی ئه و میله ته له خه ته راتیک هه ره شه ی نه مانیان
لئ ده کا مه جبوور به ئیقدامات بوون، له رینگه ی سابیت کردنی ئه منیه تی ته واو که له حالی ئیزتیراب ده رچی له دلئ هه موو لا
ئیتمینانی مه حکم په ییدا بکا فیداکاری ده که ن.

هه رکه س به راستی و ئینساف ته ماشای تاریخی کوردان بکا ده بئینی: که جان و ویجدان، روح و مال، عئیزه ت و نامووسی
وان هه ره شه ی سه ختی ئیرانیان له سه ره.

زولم و بیحیسانی زاهیری و باتینی (له قه بیلی جه ریمه و کوشتن، زه جر و حه بس، نه هئیشتی وه سائیلی ته ره قی، بی به ش
کردن له نیشانانی مه ده نییه ت، بو دانه نانی مه نافع ی خه یرییه، ری نه دان له چاک کردنی ئومووری ژبانی خو یان و شه ریک نه کردن له
هیچ کار و شوغلنیک و له نیو خستنی نیفاق .. و ..) له ته ره ف ئیرانیان بو سه ر کوردان له ئومووری عادی به لکوو حاله تنیکی ته بیعی
بوو. ده گه ل ئه و هه موو زولمی خو یان که ته بیعی به شه ر قه بوولی ناکا هیچ وه ختیکیش مو حافه زه یان له کوردان نه کردووه، کوردان
هه میشه تووشی مه سائیلی خارچیش بوون له بهر ئه وانه عه وامیلی غیره ت ده کورداندا وه جوش هات، په نایان برد بو سپه ری قه یام
خو یان ئاوئیشه سه نگه ری ئیقدام و نواندن می وجودیه ت به ده نگه ی بلند ئه و که لیمه حه قه ی ده لئین: لئیمان گه رین ده ست له

حق و وقمان مه دن!!! له وه زیاتر مه مانکه نه جینگه ی تالان و برۆ!!! ته واوی ئاره زووی کوردان عیبارته له و جمله: حیفز کردنی خویان، په یاد کردنی ئاتیه ییکی رووناک.^{۲۵}

نکته جالب توجه در هر دو گویش کرمانجی و سورانی زبان کُردی استفاده از رسم الخط و اصول نگارشی زبان فارسی در نگارش کُردی می باشد. این مسئله ناشی از تدوین نشدن اصول نگارش زبان کُردی در این دوره است. در حقیقت نگارش زبان کُردی تا دوره جمهوری کردستان به همین منوال باقی ماند و در طی یک سال نگارش به زبان کُردی در دوره جمهوری بود که اندک اندک نگارش بر اساس اصول مدون کُردی از یک سو و پیراستن زبان از واژگان بیگانه در نوشتن رعایت گردید. از سوی دیگر هر دو متن سیاسی نگاشته شده به گویش سورانی و کرمانجی، به زبان فارسی در همان روزنامه ترجمه شده است، این مسئله نگرانی نویسندگان از امکان آشنانیدن خوانندگان با زبان نوشتاری کُردی در نزد خوانندگان از یک سو و رساندن پیام به غیرکردزبانان از سوی دیگر می باشد.

نتیجه

بررسی گفتار حاکم بر حرکت سمکو در منابعی که تاکنون به دست آمده است نشان از آن دارد که ناسیونالیسم مهمترین عنصر شکل دهنده این حرکت است. این نوع از ناسیونالیسم واجد شاکله ها و ویژگی های خاص خود بود. گفتار ناسیونالیستی سمکو مبتنی بر ناسیونالیسم جدایی خواه و آشتی ناپذیری است که مهم ترین هدف آن رسیدن به کیان مستقل و اداره سرزمینی مستقل است. در این گفتار ناسیونالیستی که تأکیدی ویژه بر ملت دارد، اهداف و آمال ناسیونالیستی نه تنها در قالب کلمات مبهم و دوسویه بیان نمی شود، بلکه صراحت در بیان و لهجه مهم ترین ویژگی آن است. این گفتار ناسیونالیستی با تأکید بر اداره سرزمینی، به عنوان یک حق و التزام زمانه پیش رو، با تأکید بر تحولات فکری و سیاسی در سطح منطقه و با انتقاد آتشین از ناتوانی حکومت مرکزی در اداره مناطق تحت سلطه، اتحاد و یکرنگی ملی را مهم ترین هدف و راهکار رسیدن به مقصود مورد تأکید قرار می دهد. شخصیت عملگرای رهبری این حرکت و ارتباطات گسترده و متنوع و گاهاً پارادوکسیکال وی با قدرت های منطقه ای و نیروهای داخلی اگر به عنوان مهم ترین خصیصه این حرکت مورد قبول واقع شود، این تنوع و پارادوکس در گفتار ناسیونالیستی وی نیز حضور دارد. در حقیقت نمی توان گفتار ناسیونالیستی یک دست و منسجم را در این حرکت ردیابی کرد؛ آنچه دیده می شود تنوع در بیان دیدگاه و ارائه اندیشه های متفاوت است که هسته مرکزی آن اگرچه ناسیونالیسم است، اما زبان و ایدئولوژی بیان کننده آن متنوع می باشد.

منابع

- Essays on the Origins of Kurdish Nationalism*, (ed.), Costa Mesa, Mezda Publisher, 2003.
- Modernity and the Stateless: The Kurdish Question in Iran*, London, I.B. Tauris, 2012.
- Kurds and the State in Iran: The Making of Kurdish Identity*, London, I.B. Tauris, 2011.
- Kurdish Nationalism in Iran: The Forgotten Years (1947-1979)*, Istanbul, Avesta Publications, 2011.
- “The Kurds and their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics”, *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*. Vol. XVIII, no.2, 1998.
- Koohi-Kamali, Farideh. (2003). *The Political Development of the Kurds in Iran*. 2003 (Palgrave).
- روزنامه کُرد، سال اول، شماره ۲، ۱۳۴۰.
- روزنامه کُرد، سال اول، شماره ۳، ۲۸ ذیقعدہ ۱۳۴۰.
- هاوار، محمەد ره‌سول. سمکو (ئیسماعیل ناغای شوکاک) و بزوتنه‌وه‌ی نه‌ته‌وایه‌تی کورد، سوید، ئیستکهولم، چاپخانه‌ی ئاپیک، ۱۹۹۵.
- مه‌جید صالح. مسته‌فا پاشا یامولکی پورتریتی خه‌باتکاریکی کورد، چاپه‌مه‌نی خانی، سه‌قز، ۱۳۹۶.
- احمدی، حمید. قومیت و قوم‌گرایی - از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- مقصودی، مجتبی. تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۰.
- مک‌داول، دیوید. تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانید، تهران، ۱۳۹۳.
- کوچرا، کریس. جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر نگاه، ۱۳۷۳.
- اسناد وزارت امور خارجه، مورخه ۱۳۰۳/۰۹/۰۴، کارتن ۴۵ پرونده ۲۲، سند شماره ۵۴.